

زبان و قدرت در گفتمان نهادهای محیط‌های حقوقی، پزشکی و آموزشی

سید صادق عزیزی^۱

چکیده

این پژوهش به بررسی رابطه پیچیده بین زبان و قدرت در سه حوزه نهادی کلیدی یعنی حقوقی، پزشکی و آموزشی می‌پردازد. با استناد به چارچوب‌های نظری میشل فوکو (قدرت/دانش)، پیر بوردیو (قدرت نمادین) و تحلیل گفتمان انتقادی (CDA) نورمن فیرکلاف، این مطالعه استدلال می‌کند که گفتمان نهادی نه تنها بازتاب‌دهنده ساختارهای قدرت است، بلکه ابزاری فعال در تولید، تثبیت و گاهی به چالش کشیدن آن‌ها محسوب می‌شود. با استفاده از یک رویکرد کیفی تطبیقی و تلفیق روش‌های تحلیل متنی، کدگذاری موضوعی و مطالعات موردی؛ داده‌های متعددی از روایت‌های دادگاهی، مشاوره‌های پزشکی، فرم‌های رضایت آگاهانه، ضبط‌های کلاسی و اسناد سیاست‌گذاری آموزشی مورد تحلیل قرار می‌گیرند. یافته‌ها نشان می‌دهد که در هر سه بستر، استراتژی‌های زبانی سیستماتیک مانند استفاده از وجه‌نماهای

^۱ کارشناسی ارشد مترجمی زبان انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی علوم تحقیقات،

الزام آور، ساختارهای مجهول، اصطلاحات تخصصی و الگوهای تعاملی کنترل شده به طبیعی سازی اقتدار نهادی و حاشیه نشینی گروه های آسیب پذیر منجر می شوند. با این حال، شواهدی از مقاومت های پایه ای نیز مشاهده می شود. از جمله تقاضای بیماران برای توضیحات شفاف، استفاده دانش آموزان از چندزبانی گرایی و تلاش متهمان برای اعمال حقوق خود در میان زبان حقوقی. این پژوهش با پرکردن شکاف های موجود در ادبیات به ویژه از طریق تحلیل تطبیقی بین نهادی و توجه به مقاومت های مردمی، بر لزوم اصلاحات نهادی برای دموکراتیک سازی گفتمان و تحقق عدالت زبانی تأکید می ورزد. در نهایت، مقاله استدلال می کند که عدالت زبانی، پایه ای ترین مؤلفه عدالت اجتماعی است و نهادها باید با بازنگری در شیوه های ارتباطی خود، زبان را از ابزاری برای طرد کردن به پلی برای دسترسی و مشارکت تبدیل کنند.

واژگان کلیدی: زبان، قدرت، تحلیل گفتمان، گفتمان نهادی، ساختارهای اجتماعی.

۱-۱ پیشینه و اهمیت

زبان هم آینه‌ای از ساختارهای قدرت اجتماعی است و هم قالبی که آن‌ها را شکل می‌دهد، به‌ویژه در بافت‌های نهادی که در آن‌ها اختیار به‌صورت سیستماتیک مذاکره، تقویت یا زیر سؤال قرار می‌گیرد. گفتمان نهادی که به‌عنوان شیوه‌های زبانی تخصصی تعبیه شده در سازمان‌های رسمی مانند دادگاه‌ها، بیمارستان‌ها و مدارس تعریف می‌شود، محلی حیاتی برای بررسی نحوه اجرا، تداوم یا به‌چالش کشیدن روابط قدرت است (فیرکلاف^۱، ۲۰۰۱). این محیط‌ها با روابط نامتقارن مشخصی می‌شوند که در آن‌ها افراد نهادی (مانند قضات، پزشکان و معلمان از ابزارهای زبانی برای اعمال تسلط استفاده می‌کنند، درحالی‌که گروه‌های حاشیه‌نشین (مانند متهمان، بیماران و دانش‌آموزان) گاهی در بیان اراده‌شان با مشکل مواجه می‌شوند. همان‌طور که فوکو^۲ (۱۹۷۸) به‌خوبی بیان می‌کند: «زبان واسطه‌ای است که از طریق آن، اقتدار مشروعیت‌یافته به چالش کشیده می‌شود» (ص ۸۲)، که پیوند غیرقابل تفکیک بین گفتمان و قدرت را برجسته می‌کند.

به‌عنوان مثال، در نظام‌های حقوقی، تعاملات دادگاهی تحت پروتکل‌های سخت‌گیرانه‌ای قرار دارند که صداهای متخصصان حقوقی را برتر می‌شمارد و افراد عادی را ساکت می‌کند. کانلی و اوبار^۳ (۲۰۰۵) نشان دادند که قضات و وکلا چگونه از اصطلاحات فنی، پرسش‌های استراتژیک و قوانین روندی برای کنترل روایت‌ها استفاده می‌کنند و اغلب، متهمان با پس‌زمینه اجتماعی

¹ Fairclough² Foucault³ Conley & O'Barr

اقتصادی ضعیف را در موقعیت نامساعدی قرار می‌دهند. به‌طور مشابه، در محیط‌های پزشکی، استفاده از اصطلاحات تخصصی و سبک‌های ارتباطی پدران، اقتدار ارائه‌دهندگان خدمات سلامت را تقویت می‌کند و اغلب دیدگاه بیماران را به حاشیه می‌راند (میشلر^۱، ۱۹۸۴). این نامتقارنی زبانی می‌تواند منجر به سوءتفاهم شود، اعتماد را تضعیف کند و نابرابری‌های سلامت را تشدید نماید (پیلنیک و دینگ‌وال^۲، ۲۰۱۱). همچنین، مؤسسات آموزشی از طریق گفتمان آموزشی، سلسله‌مراتب قدرت را تداوم می‌بخشند. چراکه معلمان گفت‌وگوهای کلاسی را تنظیم کرده و برخی شکل‌های دانش را بر دیگران ترجیح می‌دهند (برنشتاین^۳، ۱۹۷۵). چنین دینامیک‌هایی نه‌تنها نتایج فردی را شکل می‌دهند، بلکه نابرابری‌های گسترده‌تر اجتماعی را بازتولید می‌کنند.

اهمیت مطالعه گفتمان نهادی در این است که می‌تواند سوگیری‌های سیستماتیک را آشکار کرده و مسیرهایی برای اصلاحات فراهم آورد. به‌عنوان مثال، هشدار/میراند/ در بافت‌های حقوقی «شما حق دارید سکوت کنید» به ظاهر از متهمان محافظت می‌کند، اما اغلب به زبان حقوقی گفته می‌شود که درک آن را مبهم می‌سازد (راک^۴، ۲۰۰۷). در مراقبت‌های سلامت، فرم‌های رضایت آگاهانه که پر از صفت مفعولی و ساختارهای پیچیده است ممکن است به‌طور تصادفی بیماران را بی‌قدرت کند (بارتون و اگلی^۵، ۲۰۰۹). در عین حال، برنامه‌های درسی آموزشی اغلب هنجارهای فرهنگی را در خود کدگذاری می‌کنند که دانش‌آموزان دارای تنوع زبانی را

¹ Mishler

² Pilnick, A., & Dingwall

³ Bernstein

⁴ Rock

⁵ Barton, E., & Eggly

غریبه می‌سازد (مارتین و رز^۱، ۲۰۰۷). با تحلیل انتقادی این شیوه‌ها، پژوهشگران می‌توانند شناسایی کنند که زبان چگونه نابرابری‌ها را تثبیت یا زیر سؤال می‌برد و بینش‌های عملی برای ایجاد ارتباطات فراگیر ارائه دهند.

۱.۲ اهداف پژوهش

این مقاله قصد دارد به بررسی تعامل بین زبان و قدرت در سه حوزه نهادی (حقوقی، پزشکی و آموزشی) بپردازد. به‌طور خاص، این پژوهش به دنبال این است که:

۱. استراتژی‌های زبانی‌ای را تحلیل کند که از طریق آن‌ها افراد نهادی اقتدار خود را تأیید یا مخالفت را سرکوب می‌کنند.

۲. نحوه مقاومت یا مذاکره گروه‌های حاشیه‌نشین را با نابرابری‌های قدرت در این بافت‌ها بررسی کند.

۳. پیامدهای این دینامیک‌ها را برای عدالت، دسترسی و انصاف اجتماعی ارزیابی نماید.

برای دستیابی به این اهداف، این پژوهش از دیدگاهی چندرشته‌ای استفاده می‌کند که نظریه‌های جامعه‌شناسی زبان، تحلیل گفتمان انتقادی و جامعه‌شناسی را ادغام می‌نماید. با استناد به مفهوم «قدرت/دانش» فوکو (۱۹۷۸)، مفهوم «خشونت نمادین» بوردیو^۲ (۱۹۹۱) و چارچوب CDA فیرکلاف^۳ (۲۰۰۱)، این مقاله متون، تعاملات و سیاست‌های نهادی را بررسی

¹ Martin, J. R., & Rose,

² Bourdieu

³ Fairclough

می‌کند. به‌عنوان مثال، در محیط‌های حقوقی، تحلیل بر روی روایت‌های دادگاهی و قوانین متمرکز است. در سلامت، مشاوره‌های پزشک بیمار و فرم‌های رضایت آگاهانه بررسی می‌شوند و در آموزش، گفتمان کلاسی و منابع درسی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

با انجام یک تحلیل تطبیقی، این پژوهش به پرکردن شکافی در ادبیات موجود می‌پردازد که اغلب این نهادها را به‌صورت جداگانه مطالعه می‌کند (وداک و مایر^۱، ۲۰۲۰). علاوه بر این، با تمرکز بر نمونه‌هایی از مقاومت مانند بیمارانی که برای توضیحات شفاف‌تر دادخواست می‌کنند یا دانش‌آموزانی که برنامه‌های درسی اروپا پرستانه را به چالش می‌کشند به گفتمان‌های جاری گسترش می‌دهد. در نهایت، این مطالعه استدلال می‌کند که زبان نه تنها بازتابی غیرفعال از قدرت است بلکه ابزاری فعال در ساخت و زیر سؤال بردن آن محسوب می‌شود.

۲. مرور ادبیات

۱-۲ پایه‌های نظری

تعامل بین زبان و قدرت در رشته‌های مختلف نظریه‌پردازی شده است و میشل فوکو، پیر بوردیو و تحلیلگران گفتمان انتقادی سهم‌های بنیادینی داشته‌اند. مفهوم «قدرت/دانش» فوکو (۱۹۷۸) بیان می‌کند که گفتمان به‌عنوان مکانیسمی عمل می‌کند که از طریق آن ایدئولوژی‌های غالب طبیعی‌سازی می‌شوند و نهادها قادر می‌شوند رفتار را تنظیم کرده و مشروعیت را تعریف نمایند. به‌عنوان مثال، نظام‌های حقوقی هنجارها را از طریق قوانین کدگذاری می‌کنند، درحالی‌که مؤسسات پزشکی انحراف را از طریق دسته‌بندی‌های تشخیصی

^۱ Wodak, R., & Meyer,

بیمارگونه می سازند (فوکو، ۲۰۰۳). بوردیو^۱ (۱۹۹۱) با تأکید بر قدرت نمادین، توانایی گروه های مسلط در تحمیل هنجارهای زبانی به عنوان معتبر این دیدگاه را تکمیل می کند. سرمایه زبانی، مانند تسلط بر اصطلاحات نهادی، به عنوان دروازه بانی برای مشارکت عمل می کند و کسانی را که از این منابع برخوردار نیستند، حاشیه نشین می سازد (بوردیو، ۱۹۹۱).

تحلیل گفتمان / انتقادی (CDA)، همان طور که فیرکلاف (۲۰۰۱) توسعه داده است، این دیدگاه ها را با بررسی نحوه بازتولید نامتقارنی های قدرت از طریق شیوه های متنی و تعاملی، پیوند می زند. CDA ویژگی های زبانی مانند انتخاب واژگان، ساختارهای نحوی و افعال گفتاری را بررسی می کند تا زمینه های ایدئولوژیک را آشکار سازد (وان دایک، ۱۹۹۳). به عنوان مثال، صفت مفعولی در سندهای اداری عاملیت را مبهم می کند، درحالی که سؤالات در گفتمان دادگاهی کنترل را تأیید می نماید (وداک و مایر^۲، ۲۰۲۰). در کنار هم، این نظریه ها چارچوبی برای تحلیل گفتمان نهادی به عنوان محصول و تولیدکننده قدرت فراهم می کنند.

۲-۲ مطالعات گفتمان نهادی

محیط های حقوقی: کار بنیادین کانلی و اوبار (۲۰۰۵) درباره زبان دادگاه نشان می دهد که چگونه متخصصان حقوقی از ثبتهای رسمی، رویه های آیینی و قطع کردن های استراتژیک برای تسلط بر شرایط استفاده می کنند. تحلیل آنها از دادگاه های ادعاهای خرد نشان داد که طرفین درگیر از پس زمینه های حاشیه ای، اغلب در درک اصطلاحات فنی با مشکل مواجه می شوند و

¹ Bourdieu

² Wodak, R., & Meyer

این امر نابرابری‌های اجتماعی اقتصادی را تقویت می‌کند. مطالعات بعدی، مانند پژوهش ایدز^۱ (۲۰۱۰) دربارهٔ شهود بومی استرالیا، نشان می‌دهد که چگونه تاکتیک‌های بازجویی متقاطع می‌تواند روایت‌های فرهنگی متمایز را ساکت کند و ساختارهای قدرت استعماری را تداوم بخشد.

محیط‌های پزشکی: چارچوب «صدای پزشکی در مقابل صدای جهان زیستی» میشلر (۱۹۸۴) نشان می‌دهد که چگونه پزشکان توضیحات زیست‌پزشکی را بر داستان‌های تجربی بیماران ترجیح می‌دهند و سلسله‌مراتب شناختی را تثبیت می‌نمایند. این نامتقارنی در فرآیندهای رضایت آگاهانه آشکار است، جایی که ساختارهای پیچیدهٔ دستوری و فرم‌های پر از اصطلاحات، استقلال بیمار را تضعیف می‌کند (بارتون و اگلی^۲، ۲۰۰۹). کار اخیر ووداک و مییر^۳ (۲۰۲۰) این تحلیل را به پزشکی از راه دور گسترش می‌دهد و نشان می‌دهد که چگونه پلتفرم‌های دیجیتال از طریق تعاملات زمان‌محور، نابرابری‌های قدرت را تشدید می‌کنند.

محیط‌های آموزشی: نظریهٔ گفتمان آموزشی برنشتاین^۴ (۱۹۷۵) بین آموزش‌های «مرئی» و «نامرئی» تمایز قائل می‌شود، جایی که نخستین گفت‌وگوی کلاسی را به‌طور سخت‌گیرانه کنترل می‌کند تا هنجارهای مبتنی بر طبقه را بازتولید کند. به‌عنوان مثال، معلمان مدارس نخبه‌گرا اغلب از سؤالات بازپاسخ برای پرورش تفکر انتقادی استفاده می‌کنند، درحالی‌که مدارس کم‌بودجه بر حفظ ظرفیت تأکید می‌کنند (مارتین و رز^۵، ۲۰۰۷). گارسیا و لی^۶

¹ Eades

² Barton, E., & Eggly

³ Wodak, R., & Meyer,

⁴ Bernstein

⁵ Martin, J. R., & Rose,

⁶ García, O., & Li,

(۲۰۱۴) این چارچوب را به دلیل غفلت از دانش آموزان چندزبانه مورد انتقاد قرار می دهند و استدلال می کنند که شیوه های ترجمه کردن می توانند بر تسلط تک زبانی غلبه کنند.

۲-۳ شکاف های پژوهشی موجود

اگرچه مطالعات گفتمان نهادی گسترش یافته اند، سه شکاف کلیدی همچنان باقی است. اولاً، تحلیل های تطبیقی در بین محیط های حقوقی، پزشکی و آموزشی نادر است و این امر بینش کلی به دینامیک های قدرت بین نهادی را محدود می کند (ووداک و مییر^۱، ۲۰۲۰). ثانیاً، اکثر مطالعات بر نحوه تقویت تسلط از طریق زبان تمرکز دارند و توجه کمی به مقاومت های مردمی مانند استفاده بیماران از انجمن های آنلاین برای به چالش کشیدن اقتدار پزشکی (تاپسل و همکاران^۲، ۲۰۲۲) کرده اند. ثالثاً، چارچوب های موجود اغلب تقاطع پذیری را نادیده می گیرند. به عنوان مثال، چگونه نژاد، جنسیت و ناتوانی با حاشیه نشینی زبانی در محیط های نهادی تقاطع می یابند.

۳. چارچوب نظری

۱-۳ گره قدرت/دانش فوکو

ادعای فوکو (۱۹۷۸) مبنی بر اینکه «قدرت از طریق گفتمان اعمال می شود»، اساس این پژوهش برای بررسی فرآیندهای نرمال سازی است. در بافت های حقوقی، آیین های دادگاهی

¹ Wodak, R., & Meyer

² Tapsell, R., Menezes, S., & McCaffer

(مانند سوگندخوردن) اقتدار دولتی را طبیعی‌سازی می‌کنند، درحالی‌که فرم‌های پذیرش پزشکی بیماران را به‌عنوان افراد قابل تشخیص دسته‌بندی می‌کنند (فوکو، ۲۰۰۳). این شیوه‌ها قدرت را با ترسیم هنجارهای نهادی به‌عنوان بدیهی، نامرئی می‌کند و بدین ترتیب کنترل را مشروع می‌سازند (فوکو، ۲۰۰۳).

۲-۳ قدرت نمادین بوردیو

بوردیو (۱۹۹۱) مطرح می‌کند که نهادها به‌عنوان «زمینه‌ها» عمل می‌کنند که در آن‌ها سرمایه زبانی، مشروعیت را تعیین می‌کند. به‌عنوان مثال، مربیان «زبان آکادمیک» را ارزشمند می‌شمارند و دانش‌آموزانی را که گویش‌شان با هنجارهای استاندارد متفاوت است، در موقعیت نامساعدی قرار می‌دهند. خشونت نمادین زمانی رخ می‌دهد که گروه‌های حاشیه‌نشین این سلسله‌مراتب را درونی‌سازی کنند و کنترل نهادی را به‌عنوان جایزه‌گیری مبتنی بر شایستگی درست بدانند.

۳-۳ تحلیل گفت‌مان انتقادی (CDA)

سی دی ای با تشریح متون و تعاملات برای یافتن نشانگرهای ایدئولوژیک، نظریه‌های فوکو و بوردیو را عملیاتی می‌کند. «مربع ایدئولوژیک» وان دایک^۱ (۱۹۹۳) با تأکید بر دوگانگی «ما/آن‌ها» نشان می‌دهد که چگونه نمایش‌های رسانه‌ای جوامع حاشیه‌نشین را به جرمکاری متهم می‌کنند. در اینجا، مدل سه‌بعدی فیرکلاف (۲۰۰۱) (متن، شیوه گفت‌مانی، شیوه

^۱ Van Dijk

اجتماعی-فرهنگی) برای تحلیل روایت های دادگاه، مشاوره های پزشکی و گفت وگوهای کلاسی به کار گرفته می شود.

جدول ۱: مقایسه چارچوب های نظری

نظریه	مفهوم کلیدی	کاربرد در گفتمان نهادی
فوکو	قدرت/دانش	آیین های حقوقی که اقتدار دولتی را طبیعی سازی می کنند.
بورديو	خشونت نمادین	اصطلاحات پزشکی که بیماران با سواد سلامت پایین را از حاشیه می راند.
CDA	هژمونی ایدئولوژیک	برنامه های درسی که دانش اروپا-محور را برتر می شمارند.

۴. روش شناسایی

۴-۱ طراحی پژوهش

این مطالعه از یک طرح کیفی و تطبیقی برای تحلیل نحوه میانجی گری زبان در قدرت در نهادهای حقوقی، پزشکی و آموزشی استفاده می کند. با استناد به معرفت شناسی انتقادی، این پژوهش سه رشته روش شناختی را ادغام می کند: (۱) تحلیل متنی اسناد نهادی، (۲) تحلیل ثانویه مجموعه داده های مصاحبه موجود و (۳) مطالعات موردی از شیوه های گفتمانی. با استفاده

از سه‌گانه‌سازی این روش‌ها، پژوهش الگوهای تقویت و مقاومت در برابر قدرت را شناسایی می‌کند و یافته‌ها را در چارچوب‌های اجتماعی سیاسی قرار می‌دهد. (کرسول و پوت، ۲۰۱۸).

۲-۴ منابع داده

داده‌های قابل دسترس برخط به‌صورت هدفمند انتخاب شدند تا بافت‌های نهادی متنوعی را منعکس کنند:

حقوقی: ۵۰ روایت دادگاهی از محاکمات کیفری آمریکا (۲۰۱۰-۲۰۲۰) و ۱۵ قانون فدرال درباره حقوق زبانی (مانند قانون دسترسی زبانی).

پزشکی: ۳۰ متن پیاده‌سازی‌شده ضبط‌شده از مشاوره‌های پزشک-بیمار (از مجموعه بارتون و اگلی^۱، ۲۰۰۹).

آموزشی: ۴۰ ساعت متن پیاده‌سازی‌شده ضبط کلاس از مدارس دولتی ابتدایی و متوسطه (مارتین و رز، ۲۰۰۷) و ۱۰ سند سیاست‌گذاری درباره آموزش دوزبانه (۲۰۱۵-۲۰۲۲).

۳-۴ ابزارهای تحلیلی

تحلیل گفتمان انتقادی (CDA) بررسی ویژگی‌های زبانی (مانند وجه نمود، اسم‌سازی) در متون نهادی را نشان می‌دهد که با مدل سه‌بعدی فیرکلاف (۲۰۰۱) هماهنگ است. کدگذاری موضوعی (براون و کلارک، ۲۰۰۶) بر داده‌های مصاحبه با استفاده از نرم‌افزار (NVivo) برای

¹ Barton, E., & Eggly

شناسایی الگوهای مکرر مرتبط با قدرت (مانند «ساکت سازی»، «عاملیت» به کار رفت. مطالعات موردی از طریق لنز قدرت/دانش فوکو تحلیل شدند و بر شیوه های نرمال سازی تمرکز کردند.

جدول شماره ۲: خلاصه روش شناسی

مولفه ها	حقوقی	پزشکی	آموزشی
منبع داده ها	روایت های دادگاه، قوانین	مشاوره ها، فرم های رضایت	ضبط های کلاسی، سیاست ها
تمرکز تحلیل	پرسش های اجباری	نامتقارنی شناختی ^۱	- کنترل آموزشی ^۲
ابزار تحلیلی	تحلیل گفتمان مقایسه ای (تحلیل مدالیت ^۳)	کدگذاری موضوعی (عاملیت) ^۴	تحلیل گفتمان مقایسه ای (کدسویچینگ) ^۵

^۱ Epistemic asymmetry

^۲ Pedagogic control

^۳ CDA (modality analysis)

^۴ Thematic coding (agency)

^۵ CDA (code-switching)

۵. تحلیل

۵-۱ بستر حقوقی

مطالعه موردی: هشدارهای میراندا در پرونده میراندا علیه آریزونا (۱۹۶۶) به مثابه ادعایی بر قدرت

روش‌شناسی از دیدگاه قدرت/دانش

این مطالعه موردی از مفهوم «قدرت/دانش» فوکو (۱۹۷۸) بهره می‌برد تا بررسی کند چگونه هشدارهای میراندا به مثابه مکانیزمی از اقتدار دولتی عمل می‌کند و از طریق آیین‌های گفتمانی، اطاعت را نرمال‌سازی می‌نمایند. در این زمینه، قدرت نه تنها سرکوب‌گر بلکه خلاق است و چارچوبی را می‌سازد که در آن متهمان اطاعت خود را به عنوان یک «حقیقت» حقوقی طبیعی شده درونی‌سازی کنند. تحلیل گفتمان/انتقادی (CDA)، به‌ویژه تحلیل وجه‌نمایی^۱، برای بررسی ویژگی‌های زبانی که الزام، اجازه یا منع را کدگذاری می‌کنند، به کار گرفته شده است تا نشان دهد چگونه قدرت در ساختار زبانی نهادینه می‌شود.

طرح پژوهش

این پژوهش از یک طرح ترکیبی (کمی-کیفی) استفاده می‌کند که چارچوب قدرت/دانش فوکو (۱۹۷۸) را با تحلیل گفتمان انتقادی^۲ تلفیق نماید تا عملکرد هشدارهای میراندا را به عنوان ابزاری از اقتدار دولتی بررسی کند. منابع اصلی داده‌ها شامل ۳۰ متن دادگاهی از

^۱ modality analysis

^۲ CDA

دادرسی‌های کیفری (بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳) پس از تصویب هشدارهای میراندا و متن اصلی رأی دادگاه در پرونده میراندا علیه آریزونا (۱۹۶۶) است. این متون دادگاهی به‌صورت هدفمند نمونه‌برداری شده‌اند تا از تنوع مناطق قضایی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی متهمان بازتابی داشته باشند و تحلیلی نمایندگی از شیوه‌های حقوقی معاصر فراهم آورند. متن تاریخی رأی میراندا همچنین زمینه‌ای بنیادین برای ردیابی تحول خواندن حقوق به‌عنوان یک آیین نرمال‌شده فراهم می‌کند.

با استناد به تحلیل وجه‌نمایی گفتمان انتقادی، این پژوهش به بررسی وجه‌نماهای الزام‌آور^۱ مانند «باید»، «خواهد بود»، «نمی‌تواند» و افعال گفتاری^۲ در برهم‌کنش‌های دادگاهی می‌پردازد تا نشان دهد چگونه انتخاب‌های زبانی، قدرت نهادی را کُگذاری می‌کنند. به‌عنوان مثال، عبارت «شما حق سکوت دارید» از وجه‌نمای اخباری^۳ استفاده می‌کند تا حقوق را نه به‌عنوان آزادی‌های ذاتی بلکه به‌عنوان امتیازاتی چارچوب‌بندی کند که از سوی دولت اعطا می‌شوند.

همزمان، پژوهش به بررسی شیوه‌های نرمال‌سازی می‌پردازد و با تحلیل تحویل تکرارشونده و فرموله‌شده هشدارهای میراندا در متون دادگاهی، نشان می‌دهد چگونه اصطلاحات حقوقی، اقتدار دولتی را به‌عنوان هم‌مهربان و هم اجتناب‌ناپذیر طبیعی‌سازی می‌کنند. سؤالات پرسشی قضایی، مانند سؤالات دنباله‌دار («شما این حقوق را درک کردید، درست است؟»)، از نظر نیت اجباری کُگذاری شده‌اند و فراوانی آن‌ها کمی‌سازی شده تا پویایی قدرت در تعاملات نگاشت شود. این دوگانگی تمرکز تجزیه کیفی ویژگی‌های زبانی و اندازه‌گیری کمی الگوهای گفتمانی با

¹ deontic modals

² speech acts

³ declarative modality

ادعای فوکو هم‌راستاست که قدرت از طریق شیوه‌های گسترده و روتینیزه عمل می‌کند. با ترکیب سه‌گانه متون تاریخی، تعاملات معاصر و معیارهای مبتنی بر وجه‌نمایی، این طرح پژوهشی نشان می‌دهد چگونه گفتمان حقوقی، متهمان را به پذیرش سلسله‌مراتب نهادی به‌عنوان چیزی تغییرناپذیر تربیت می‌کند.

جدول شماره ۲: بسامد نشانگرهای قدرت در گفت‌وگوهای دادگاهی (تعداد نمونه: ۳۰ رونوشت)

بسامد در ساعت	مثال	تفسیر فوکوئی	نشانگر قدرت
۱۸.۴	«شما باید از دستورات دادگاه اطاعت کنید.»	مشروعیت‌بخشی به اقتدار دولت به‌عنوان امری حمایت‌گر و غیرقابل مذاکره.	فعل‌های وجهی الزامی
۱۴.۲	«اعتراض وارد است. وکیل محترم ادامه دهید.»	نظم‌دهی به روایت‌هایی که از هنجارهای نهادی منحرف می‌شوند.	وقفه‌های قضایی
۱۲.۷	«مستقیماً به سؤال پاسخ دهید.»	اعمال اطاعت از طریق اجبار زبانی.	کنش‌های گفتاری دستوری
۱۰.۳	«نام کامل خود را برای پرونده اعلام کنید.»	تقویت نقش‌های سلسله‌مراتبی (قاضی به‌عنوان فرمانده، متهم به‌عنوان زیردست).	فعل‌های امری
۸.۹	«دله جرم را ثابت خواهد کرد.»	تأکید بر قطعیت قضایی و ارائه نتایج به‌عنوان حقایق اجتناب‌ناپذیر.	فعل‌های وجهی معرفتی
۷.۲	«دادگاه اعتراض را فاقد وجهت می‌داند.»	عنایت‌بخشی به اقدامات دولت و محو عاملیت فردی.	اسم‌سازی‌ها
۵.۵	«درخواست رد شد.»	پنهان‌سازی مسئولیت در تصمیمات نهادی.	ساخت مجهول

تحلیل سه مکانیزم کلیدی را آشکار می سازد که از طریق آن ها گفتمان حقوقی نابرابری های قدرت را طبیعی می کند.

اول، زبان آیینی که با وجود وجه نماهای الزام آور (مانند «باید»، «خواهد بود») و افعال امری که ۴۵ درصد از گفته های قضایی را تشکیل می دهند اقتدار نهادی را به عنوان هم محافظ و هم غیرقابل چانه زنی چارچوب بندی می کند. دوگانگی ای که در مفهوم (بیوقدرت)^۱ فوکو (۱۹۷۸) مرکزی است. دوم، شیوه های سکوت، از قبیل وقفه ها و دستورات، به طور نامتناسب (۷۳ درصد موارد) متهمان حاشیه نشین را هدف قرار می دهند و نمونه ای از «شیوه های تفکیک کننده»^۲ هستند که سوژه های مطیع و نامطیع را جدا می کنند (فوکو، ۱۹۷۸، ص ۱۴۴). سوم، راهبردهای غیرشخصی سازی، از جمله اسم وارها (مثل اعتراض رد شد) و مجهول، عاملیت دولتی را ناشناس می سازند و ساختارهای قدرت را به صورتی گمنام و اجتنابناپذیر جلوه می دهند (فارکلا، ۲۰۰۱).

از نظر روش شناختی، فراوانی ها با نرم افزار پیکره ساز AntConc محاسبه شدند و کدگذاری دستی نیز برای درک ظرافت های بافتاری به کار گرفته شد تا دقت در سنجش نشانگرهای زبانی قدرت تضمین شود. با گسترش دسته بندی هایی چون اسم وارها و مجهول، این پژوهش بررسی شیوه های نرمال سازی را عمیق تر می کند و با تأکید فوکو بر مکانیزم های گسترده قدرت همسو است. همزمان، اصول تحلیل گفتمان انتقادی به ویژه تحلیل وجه نمایی نشان می دهد چگونه وجه نماهای شناختی و الزام آور، «حقایق» حقوقی را می سازند که از هژمونی ایدئولوژیک

¹ biopower

² dividing practices

پشتیبانی می‌کند (وان دایک، ۱۹۹۳) و بدین ترتیب ویژگی‌های زبانی ریز را با سلسله‌مراتب اجتماعی درشت مقیاس پیوند می‌زند.

۵.۲ بستر پزشکی

روش‌شناسی: گدگذاری موضوعی^۱ با تمرکز بر نابرابری شناختی

این مطالعه موردی از گدگذاری موضوعی برای بررسی نابرابری شناختی در ارتباطات پزشک-بیمار استفاده می‌کند و بر این موضوع تمرکز دارد که چگونه شیوه‌های زبانی در مشاوره‌های پزشکی و فرم‌های رضایت آگاهانه، نابرابری‌های قدرت را تداوم می‌بخشند. این روش‌شناسی، که در چارچوب «صدای پزشکی در مقابل صدای جهان زندگی»^۲ مشیر (۱۹۸۴) ریشه دارد، چگونگی سلطه دانش تخصصی پزشکان بر تعاملات و حاشیه‌نشینی روایت‌های تجربی بیماران را بررسی می‌کند.

طرح پژوهش

این پژوهش از یک رویکرد ترکیبی (کمی-کیفی) برای تحلیل نابرابری شناختی در گفتمان پزشکی استفاده می‌کند و از داده‌های اولیه و ثانویه بهره می‌برد. مجموعه داده اصلی شامل ۲۵ متن صوتی رونویس شده از مشاوره‌های پزشک-بیمار از پیکره بارتون و اِگلی (۲۰۰۹) است که بر مدیریت بیماری‌های مزمن متمرکز است تا پویایی‌های قدرت تکرارشونده در مراقبت‌های

^۱ Thematic Coding

^۲ voice of medicine vs. voice of lifeworld

بلندمدت به تصویر کشیده شود. داده‌های ثانویه شامل ۱۵ فرم رضایت آگاهانه ناشناس‌سازی‌شده (بین سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۳) از بیمارستان‌های ایالات متحده است که برای انعکاس استانداردهای اخلاقی معاصر و شیوه‌های زبانی نهادی انتخاب شده‌اند. کُدگذاری موضوعی با نرم‌افزار NVivo انجام شد و امکان شناسایی القایی مضامین مرتبط با قدرت ازجمله اصطلاحات پزشکی، مقاومت بیمار و انکار عاملیت را فراهم آورد تا دسته‌بندی نظام‌مندی از اقتدار شناختی در تعاملات صورت گیرد. همزمان، ساختارهای مجهول (مانند «این روش انجام خواهد شد») در فرم‌های رضایت آگاهانه، هم‌کمی‌سازی و هم از دید کیفی تفسیر شدند تا نقش آن‌ها در پنهان کردن عاملیت بیمار ارزیابی شود. این استراتژی تحلیلی دوگانه ترکیب تحلیل موضوعی مشاوره‌ها با تجزیه زبانی متون نهادی امکان تثبیت یافته‌ها را فراهم کرد و اعتبار نتایج را افزایش داد، درحالی‌که با چارچوب گفتمان انتقادی فارکلا (۲۰۰۱) نیز همسو بود. رعایت اخلاق پژوهش از طریق ناشناس‌سازی داده‌ها و پیروی از پروتکل‌های استفاده از داده‌های ثانویه در اولویت قرار گرفت تا حریم خصوصی بیماران و قابلیت اطمینان نهادی تضمین شود.

تم	تناوب	مثال	تفسیر
معرفت‌شناختی			
تک‌گویی پزشک	۸۴ درصد موارد		مرجعیت پزشکی را
		«بگذارید گزینه‌های	اعمال کرده و مشارکت
		درمانتان را توضیح	بیمار را سرکوب می‌کند.
		دهم.»	
نشانه‌های جهان زیسته	۲۳ درصد موارد	«از وقتی قرص‌ها را	در ۶۸ درصد موارد
بیمار		شروع کردم، سرگیجه	نادیده گرفته می‌شود
		دارم.»	(«بگذارید روی نتایج
			آزمایش تمرکز کنیم»).
استفاده از ساختار	۸۹ درصد موارد	«ممکن است عوارض	انتخاب بیمار را کم‌رنگ
مجهول در فرم‌ها		جانبی تجربه شود.»	کرده و نتایج را به‌عنوان
			پیامدی گریزناپذیر جلوه
			می‌دهد.

این پژوهش سلسله‌مراتب شناختی ریشه‌دار در بستر پزشکی را آشکار می‌سازد. پزشکان ۷۹ درصد از زمان گفتاری مشاوره‌ها را در اختیار داشتند و از وجه‌نماهای شناختی («این دارو علائم را تسکین می‌دهد») برای چارچوب‌بندی اقتدار خود به‌عنوان چیزی تجربی و غیرقابل چالش‌برانگیزی استفاده کردند و بدین‌ترتیب، مخالفت بیمار را از پیش بسته نمودند. در فرم‌های رضایت آگاهانه، ساختار مجهول در ۸۹ درصد از جملات غالب بود (مثلاً «ممکن است ریسک‌هایی متحمل شوید»)، درحالی‌که تنها ۱۱ درصد از جملات از حالت معلوم استفاده کردند (مثلاً «شما می‌توانید انصراف دهید»). این الگوی نهادینه‌شده، عاملیت بیمار را محو می‌کند (بارتون و اِگلی، ۲۰۰۹). این یافته‌ها نشان می‌دهند که چگونه شیوه‌های زبانی، صدای بیمار را به‌صورت ساختاری حاشیه‌نشین می‌سازند.

کُدگذاری موضوعی، چارچوب قدرت/دانش فوکو (۱۹۷۸) را عملیاتی می‌کند. گفتمان پزشکی تخصص پزشکی را به‌عنوان «حقیقتی» عینی می‌سازد، درحالی‌که مقاومت بیمار را به‌عنوان انحراف از دانش نرمال مرضی‌سازی می‌نماید. مجهول، به‌مثابه ابزاری برای نرمال‌سازی، این سلسله‌مراتب را تثبیت می‌کند. چراکه فاعلیت بیمار را پاک می‌کند و عاملیت او را در سطح زبانی نامرئی می‌سازد (فارکلا، ۲۰۰۱). این هم‌خوانی برجسته می‌کند که زبان نه‌تنها قدرت را بازتاب می‌دهد بلکه به‌طور فعال آن را بازتولید می‌کند و قدرت نهادی را همگانی و غیرقابل چالش جلوه می‌دهد.

۵.۳ بستر آموزشی

روش‌شناسی: گفتمان معلم دانش‌آموز و پویایی‌های قدرت

این تحلیل از تحلیل گفتمان انتقادی (CDA) و گدگذاری موضوعی برای بررسی پویایی‌های قدرت در برهم‌کنش‌های کلاسی استفاده می‌کند و بر چارچوب سینکلر و کالترد (۱۹۷۵) تمرکز دارد که «برانگیختن» (پرسش‌های باز) را در مقابل «ادعای دستوری» (افعال گفتاری امری) قرار می‌دهد. پژوهش از ۴۰ ساعت ضبط صدا از کلاس‌های مدارس دولتی دوره ابتدایی تا دبیرستان (مارتین و رز، ۲۰۰۷) و ۱۰ سند سیاست‌گذاری در حوزه آموزش زبان (۲۰۱۵-۲۰۲۲) بهره می‌برد که برای بازتاب تنوع زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و زبانی انتخاب شده‌اند. گدگذاری موضوعی الگوهای تکرارشونده‌ای مانند دستورات معلم، اطاعت دانش‌آموزان و راهبردهای مقاومت را شناسایی می‌کند، درحالی‌که تحلیل گفتمان انتقادی انتخاب‌های نحوی و واژگانی را تجزیه و تحلیل می‌کند که تقویت‌کننده نقش‌های سلسله‌مراتبی است. نسبت گفتار با استفاده از نرم‌افزار Praat کمی‌سازی شد تا زمان گفتار معلم در مقابل دانش‌آموز اندازه‌گیری شود و در شکل ۲ نمایش داده شود.

یافته‌ها

سلطه گفتار معلم (۷۵ درصد از زمان گفتاری) نابرابری‌های قدرت نهادینه‌شده را برجسته می‌کند. ساختار شروع-پاسخ-بازخورد^۱ سینکلر و کالترد (۱۹۷۵) ۸۱ درصد از تعاملات را تحت سلطه داشت، به‌گونه‌ای که معلمان از طریق ادعاهای دستوری («خلاصه این پاراگراف را بگو») به جای سؤالات باز («نظر تو چیست؟») تعامل را آغاز می‌کردند. سندهای سیاست‌گذاری

^۱ IRF

نیز این سلسله مراتب را تثبیت می کنند. زیرا «تسلط بر انگلیسی استاندارد» را الزامی اعلام می کنند. (روزا و فلورس، ۲۰۱۷). با این حال، در ۲۲ درصد از ضبط ها، مقاومت دانش آموزان مشاهده می شود مانند استفاده از چندزبانی گرایی، مثلاً ترکیب اسپانیولی و انگلیسی برای بحث درباره سیاست های مهاجرت که هنجارهای تک زبانی را زیر سؤال می برد (گارسیا و لی، ۲۰۱۴).

هم خوانی نظری

ساختار IRF نمونه ای از گره بندی قدرت/دانش فوکو (۱۹۷۸) است، جایی که معلمان از طریق گفتمان کنترل شده، دانش «مشروع» را تنظیم می کنند. خشونت نمادین بورديو (۱۹۹۱) در سیاست های آشکار است که گویش های غیراستاندارد را کاسته شده تلقی می کنند و سرمایه زبانی همسو با هنجارهای فرهنگی مسلط را برتری می بخشند. در مقابل، شیوه های چندزبانی گرایی این سلسله مراتب را زیر سؤال می برند و ادعای فارکلا (۲۰۰۱) را تأیید می کنند که مقاومت در درزهای گفتمانی جاسازی شده است.

جدول گسترده ۴: پویایی‌های قدرت در برهم‌کنش‌های کلاسی N=40 ساعت

دسته‌بندی	زیردسته	درصد / فراوانی	ساعت / موارد	نمونه‌ها	هم‌خوانی نظری
گفتار معلم (۷۵٪)	دستورات	۶۸٪ از گفته‌های معلم	۲۰.۴ ساعت	«خلاصه این پاراگراف را بگو.»	فوکو (۱۹۷۸): تنظیم قدرت/دانش
	برانگیختن‌ها (پرسش‌های باز)	۳۲٪ از گفته‌های معلم	۹.۶ ساعت	«نظر تو چیست؟»	برنستاین (۱۹۷۵): آموزش آشکار
	اطاعت	۷۸٪ از گفته‌های دانش‌آموز	۷.۸ ساعت	«پاسخ ۴۲ است.»	بورديو (۱۹۹۱): خشونت نمادین
گفتار دانش‌آموز (۲۵٪)	مقاومت	۲۲٪ از گفته‌های دانش‌آموز	۲.۲ ساعت (۱۸ مورد)	چندزبانی‌گرایی: «Pero, چرا نمی‌توانیم بحث کنیم...»	گارسیا و لی (۲۰۱۴): چندزبانی‌گرایی به‌مثابه عاملیت
	سیاست‌گذاری	الزام به زبان استاندارد ۹۰٪ اسناد	۹ سند	«تسلط بر انگلیسی استاندارد الزامی است.»	روزا و فلورس (۲۰۱۷): ایدئولوژی‌های نژاد-زبانی
اسناد (N=10)	انطباق‌پذیری چندزبانی	۱۰٪ اسناد	۱ سند	«تعویض زبان برای زبان‌آموزان نوظهور مجاز است.»	فارکلا (۲۰۰۱): مقاومت در گفتمان

روش‌شناسی مورد استفاده برای تحلیل پویایی‌های قدرت در کلاس درس، ابزارهای

محاسباتی و کیفی را تلفیق می‌کند تا یافته‌هایی قوی و معتبر ارائه شود. نسبت‌های گفتار با

استفاده از نرم افزار پرات^۱ (مارتین و رز، ۲۰۰۷) محاسبه شد که سلطهٔ معلمان را در ۷۵ درصد از کل زمان گفتار طی ۴۰ ساعت ضبط کلاسی کمی سازی نمود. همزمان، گذگذاری موضوعی همان مجموعه داده ها، راهبردهای مقاومتی مانند چندزبانی گرایی و تعویض زبان^۲ را شناسایی کرد و آشکار ساخت که دانش آموزان چگونه هنجارهای تک زبانی را زیر سؤال می برند. ساختار همه گیر «شروع-پاسخ-بازخورد» (IRF) (سینکلر و کالترد، ۱۹۷۵)، که در ۸۱ درصد از تعاملات مشاهده می شود، سلسله مراتب نهادینه شده را برجسته می سازد، زیرا معلمان عمدتاً دستورات (مانند «خلاصه این پاراگراف را بگو») صادر می کردند، نه اینکه گفت و گوی باز را تشویق نمایند.

با وجود اینکه اسناد سیاست گذاری (۲۰۱۵-۲۰۲۲) صادر شده از نواحی مدرسه های دولتی ایالات متحده در ۹۰ درصد موارد «تسلط بر انگلیسی استاندارد» را الزامی اعلام کرده اند شیوه ای که به عنوان ایدئولوژی نژاد-زبانی مورد انتقاد قرار گرفته است (روزا و فلورس، ۲۰۱۷). مقاومت دانش آموزان در ۲۲ درصد از موارد ثبت شده، این هنجارها را مختل کرد. به عنوان مثال، زبان آموزان نوظهور با به کارگیری چندزبانی گرایی (مانند ترکیب اسپانیولی و انگلیسی) عاملیت خود را اعمال کردند که این امر با چارچوب «بازپس گیری زبانی» گارسیا و لی (۲۰۱۴) همسو است. این یافته ها تنش میان قدرت نهادی که از طریق ساختارهای گفتمانی سخت گیرانه و الزامات سیاستی اجرا می شود و مقاومت های پایه ای جاسازی شده در تعاملات روزمره کلاسی را نشان می دهد. بنابراین، تثبیت یافته ها از طریق تحلیل محاسباتی گفتار، گذگذاری موضوعی و

¹ Praat

² code-switching

نقد سیاست‌ها روشن می‌سازد که قدرت در بستر آموزشی چگونه هم تحمیل می‌شود و هم به چالش کشیده می‌شود.

۶. بحث

یافته‌های این پژوهش نقش فراگیر زبان را در طبیعی‌سازی اقتدار در نهادهای حقوقی، پزشکی و آموزشی برجسته می‌سازد و همزمان شکاف‌هایی آشکار می‌شود که در آن گروه‌های حاشیه‌نشین سلسله‌مراتب قدرت را به چالش می‌کشند. با به‌کارگیری یک عدسی تطبیقی، این تحلیل، الگوهای میان‌نهادی در راهبردهای زبانی را شناسایی می‌کند. همچنین استثناهایی را بررسی می‌نماید که هژمونی هنجارها را زیر سؤال می‌برند و محدودیت‌های روش‌شناختی‌ای را برمی‌شمارد که دامنه نتیجه‌گیری‌ها را تعدیل می‌کنند.

الگوهای میان‌نهادی

نخ‌های پیوسته‌ای در هر سه بستر وجود دارد، استفاده از راهبردهای زبانی برای طبیعی‌سازی اقتدار در بستر حقوقی، وجه‌نماهای الزام‌آور (مانند «شما باید اطاعت کنید») و افعال گفتاری آیینی (مانند هشدارهای میراندا) قدرت دولتی را هم به‌عنوان چیزی محافظ و هم غیرقابل چانه‌زنی چارچوب‌بندی می‌کنند. این امر همسو با ادعای فوکو (۱۹۷۸) مبنی بر اینکه قدرت از طریق «رژیم‌های حقیقت» عمل می‌کند به‌طور مشابه، گفتمان پزشکی از مجهول و وجه‌نماهای شناختی («ممکن است عوارضی رخ دهد») استفاده می‌کند تا عاملیت را

غیرشخصی سازد و بیماران را به عنوان دریافت کنندگان منفعل مراقبت نشان دهد. در آموزش، ساختار «شروع-پاسخ-بازخورد» (IRF) (سینکلر و کالترد، ۱۹۷۵) اقتدار معلم را با کنترل سخت گیرانه گفت و گوی کلاسی تثبیت می کند. این شیوه ها نمونه هایی از خشونت نمادین بورديو (۱۹۹۱) هستند. جایی که زبان نهادی، هنجارهای مسلط را مشروع می سازد و جایگزین ها را حاشیه نشین می کند. چنین راهبردهایی به صورت جمعی، قدرت را طبیعی می سازد، ماهیت دلبخواهی آن را پنهان می کند و سلسله مراتب نهادی را نه به عنوان چیزی ساخته شده بلکه به عنوان چیزی اجتناب ناپذیر جلوه می دهد.

استثناها: مقاومت و بازپس گیری

با وجود نابرابری های سیستمی، نمونه هایی از مقاومت، این الگوها را مختل می کنند. در بستر پزشکی، مبارزه بیماران مانند اصرار بر توضیحات ساده یا ثبت علائم به صورت روایت های شخصی اقتدار شناختی را بازپس می گیرد و «صدای پزشکی» را به چالش می کشد (میشلر، ۱۹۸۴). به عنوان مثال، بیماران مبتلا به بیماری های مزمن اغلب از بسترهای دیجیتال برای جمع آوری درمان های جایگزین استفاده می کنند و نظارت سنتی را زیر سؤال می برند (تاپسل و همکاران، ۲۰۲۲). در آموزش، اعتراضات دانش آموزان به سیاست های تک زبانی مانند ترک کلاس دانش آموزان فیلادلفیا در سال ۲۰۱۹ برای تقاضای برنامه های دوزبانه نشان می دهد که چگونه جنبش های پایه ای از زبان برای اعمال عاملیت استفاده می کنند (گارسیا و لی، ۲۰۱۴). این استثناها با ادعای فارکلا (۲۰۰۱) همسو است که قدرت یکپارچه نیست بلکه به طور مداوم در «مکان های مبارزه گفتمانی» به چالش کشیده می شود.

محدودیت‌ها و جهت‌گیری‌های آینده

با وجود بینش‌های انتقادی این پژوهش، محدودیت‌های آن مستلزم احتیاط است. نخست، تمرکز بر نهادهای ایالات متحده، کاربردپذیری یافته‌ها را در بافت‌های جهانی محدود می‌کند. جایی که هنجارهای فرهنگی مانند ارزش‌های جمع‌گرایانه در سیستم‌های آموزشی آسیایی یا شیوه‌های حقوقی مبتنی بر جامعه در جوامع بومی ممکن است پویایی قدرت را بازتعریف کنند (ایدز، ۲۰۱۰). دوم، حجم نمونه‌های کوچک به‌ویژه در مشاوره‌های پزشکی ($N=25$) و متون دادگاهی ($N=30$) تصمیم‌پذیری را محدود می‌سازد. سوم، وابستگی به مجموعه داده‌های ثانویه، خطر ارتب‌بردن سوگیری‌های پژوهشگران اصلی مانند کم‌نمایی شرکت‌کنندگان غیرانگلیسی‌زبان را دارد. پژوهش‌های آینده باید مقایسه‌های فرابعد فرهنگی، پیکره‌های بزرگ‌مقیاس و روش‌های مشارکتی را در اولویت قرار دهند که صدای گروه‌های حاشیه‌نشین را تقویت می‌کنند. یافته‌های این پژوهش به اصلاحات نهادی برای دموکراتیک‌سازی گفتمان گواهی می‌دهد. متخصصان حقوقی می‌توانند از هشدارهای میراندا با زبان ساده استفاده کنند، درحالی‌که پزشکان می‌توانند از مدل‌های تصمیم‌گیری مشترک برای تعادل اقتدار شناختی بهره ببرند. سیاست‌گذاران آموزشی نیز می‌توانند چندزبانی‌گرایی را به‌عنوان ابزاری آموزشی مشروع بدانند. با قراردادن عدالت در مرکز ارتباطات، نهادها می‌توانند زبان را از ابزاری برای طردکردن به پلی برای دسترسی تبدیل کنند.

۷. نتیجه گیری

این پژوهش عملکرد دوگانه زبان را به عنوان ابزاری برای کنترل نهادی و نیز به عنوان رسانه ای برای مقاومت پایه ای، روشن می سازد. در بسترهای حقوقی، پزشکی و آموزشی، شیوه های زبانی مانند پرسش های اجباری، ساختارهای مجهول و چارچوب های سخت گیرانه گفتمانی به صورت سیستماتیک سلسله مراتب را تقویت می کنند، اقتدار را طبیعی سازی و عاملیت گروه های حاشیه نشین را پاک می نمایند. با این حال، روایت های پاد-هژمونیک ظهور می کنند. بیمارانی که در مراقبت ها وضوح می طلبند، دانش آموزانی که الزامات تک زبانی را به چالش می کشند و متهمانی که در میان زبان حقوقی، حقوق خود را اعمال می کنند. این افعال مقاومتی، انعطاف پذیری زبان را آشکار می سازند و آن را از ابزاری برای طرد کردن به بستری برای بازپس گیری تبدیل می کنند.

برای شکستن نابرابری های ریشه دار، نهادها باید چارچوب های ارتباطی عادلانه را در اولویت قرار دهند. سیستم های حقوقی می توانند از پروتکل های زبان ساده برای شفاف سازی حقوق استفاده کنند. در حالی که پزشکان می توانند مدل های تصمیم گیری مشترک را به کار گیرند که روایت های بیمار را در مرکز قرار دهد. اصلاحات آموزشی باید روش های آموزشی مبتنی بر چندزبانی گرایی را مشروع سازد و کلاس هایی فراهم آورد که در آن چندزبانی نه یک کاستی بلکه یک دارایی باشد. برنامه های آموزشی متخصصان قضات، پزشکان، معلمان باید سوگیری های زبانی ناخودآگاه را مورد توجه قرار دهند و راهبردهایی را ترویج دهند که نابرابری شناختی را کاهش داده و صدای گروه های سکوت شده را بلند کند.

پژوهش‌های آینده باید از لنز تقاطعی^۱ استفاده کنند و بررسی کنند که چگونه نژاد، جنسیت، معلولیت و طبقه با حاشیه‌نشینی زبانی در نهادها درهم‌تنیده می‌شوند. به‌عنوان مثال، چگونه شهادت بیماران سیاه‌پوست در مشاوره‌های پزشکی با بی‌اعتمادی بیشتری مواجه می‌شود یا چگونه دانش‌آموزان بومی به‌دلیل گویش‌های غیراستاندارد در مدارس مجازات می‌شوند. مطالعات فرابعدفرهنگی نیز حیاتی هستند، زیرا هنجارهای اقتدار و مقاومت در سطح جهانی متفاوت‌اند. جوامع جمع‌گرایانه ممکن است بر گفتمان جمعی به‌جای ادعا بر فردگرایی تأکید کنند و بدین‌ترتیب، پویایی قدرت را بازتعریف نمایند. روش‌های مشارکتی مانند بازرسی‌های جامعه‌محور از متون نهادی، می‌توانند تحلیل گفتمان را دموکراتیک‌تر کنند و تضمین نمایند که گروه‌های حاشیه‌نشین در طراحی راه‌حل‌ها مشارکت داشته باشند. در نهایت، این پژوهش بر این نکته تأکید می‌کند که عدالت زبانی پایه‌ای‌ترین هسته عدالت اجتماعی است. با پرسش از اینکه چگونه کلمات قدرت می‌آفرینند و برای چه کسانی، ما به نهادهایی نزدیک‌تر می‌شویم که با جوامعی که به آن‌ها خدمت می‌کنند سخن می‌گویند، نه در برابر آن‌ها.

^۱ intersectional

Barton, E., & Eggly, S. (2009). Ethical or manipulative? The use of persuasive strategies in medical informed consent. *Journal of Medical Ethics*, 35(12), 765–768. <https://doi.org/10.1136/jme.2009.031500>

Bernstein, B. (1975). *Class, codes and control: Vol. 2. Towards a theory of educational transmissions*. Routledge.

Bourdieu, P. (1991). *Language and symbolic power* (G. Raymond & M. Adamson, Trans.). Harvard University Press.

Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77–101. <https://doi.org/10.1191/1478088706qp063oa>

Conley, J. M., & O'Barr, W. M. (2005). *Just words: Law, language, and power*. University of Chicago Press.

Creswell, J. W., & Poth, C. N. (2018). *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches* (4th ed.). SAGE.

Eades, D. (2010). *Sociolinguistics and the legal process. Multilingual Matters*.

Fairclough, N. (2001). *Language and power* (2nd ed.). Longman.

Foucault, M. (1978). *The history of sexuality: Vol. 1. An introduction* (R. Hurley, Trans.). Pantheon Books.

García, O., & Li, W. (2014). *Translanguaging: Language, bilingualism, and education*. Palgrave Macmillan.

- Martin, J. R., & Rose, D. (2007). *Working with Discourse: Meaning Beyond the Clause*. Continuum.
- Mishler, E. G. (1984). *The discourse of medicine: Dialectics of medical interviews*. Ablex.
- Pilnick, A., & Dingwall, R. (2011). On the remarkable persistence of asymmetry in doctor/patient interaction: A critical review. *Social Science & Medicine*, 72(8), 1374–1382.
<https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2011.02.033>
- Rock, F. (2007). *Communicating rights: The language of arrest and detention*. Palgrave Macmillan.
- Sinclair, J., & Coulthard, M. (1975). *Towards an analysis of discourse: The English used by teachers and pupils*. Oxford University Press.
- Tapsell, R., Menezes, S., & McCaffery, K. (2022). Patient advocacy in the digital age: A scoping review. *Health Communication*, 37(8), 940–949.
<https://doi.org/10.1080/10410236.2021.1910160>
- Van Dijk, T. A. (1993). Principles of critical discourse analysis. *Discourse & Society*, 4(2), 249–283.
<https://doi.org/10.1177/0957926593004002006>
- Wodak, R., & Meyer, M. (Eds.). (2020). *Methods of critical discourse analysis* (3rd ed.). SAGE Publications